

آغاز شکفتن دوباره در بنیاد کامرانی



با توجه به مشکلات اقتصادی کشور، تورم و فشار اقتصادی که عموم مردم عزیز کشورمان را تحت فشار قرار داده، بنیاد خیریه کامرانی امسال به احترام مردم ایران زمین و در راستای همراهی با وضع اقتصادی موجود همچگونه کالای تبلیغاتی و سررسید و هدایای نوروزی سفارش نداده و منتشر نخواهد کرد.

اهالی قدس در آستانه سال نو آرزو کردند...
تماشای فیلم با سفر در دل تاریخ
گمانایف؛ یک آرزو برای سال جدید و...
آرزوی خانواده کامرانی برای سال جدید
بهار در بنیاد کامرانی

اهالے قدسی در آستانہ سال نو آرزو کردند...

سال نو می شود زمین
نفسی دوباره می کشد
برگ ها به رنگ در
می آیند و گلها لبخند
می زنند و پرندہ های
خسته برمی گردند و



در این رویش سبز، دوباره ... من ... تو ... ما ...
کجا ایستاده ایم، سهم ما چیست، نقش ما چیست،
پیوند ما در دوباره شدن با کیست. زمین سلامت
می کنیم و ابرها درودتان ... و چون همیشه امیدوار
و سال نو مبارک. یک نگاه خداوند کافیت برای
گشوده شدن یک یک درهای بسته ی زندگی، آن
نگاه و نظر بلند را برای همه آرزو دارم.

ماندانا شیخی - روانشناس

روزی در دفترم نشسته بودم که دونفر برای کمک وارد اتاق شدند؛ یکی از آن دونفر به شدت گریه می کرد. وقتی موضوع را جویا شدم گفت: یک شب وقتی در کربلا بودم، خواب دیدم فردی مجتمع معلولین و سالمندان قدس را با آدرس به من معرفی کرد تا برای کمک به اینجا بیایم. وقتی به همراه دوستان به اینجا آمدم دقیقاً شبیه خوابم بود و اکنون حاضرم تا در این راه کمک نقدی و غیر نقدی مورد نیاز مرکز را تقدیم کنم.

بعد از این اتفاق با همه قلبم باور پیدا کردم که روزی عزیزان ساکن در قدس از جانب خدا فراهم خواهند شد و نباید غصه کم و کسری ها را داشته باشیم.



همه این سالهایی که در خدمت بهزیستی بودم دوری و بی تابی عزیزان در قدس از خانواده هایشان برایم بزرگترین درد بوده. چه مادرهایی که چشم به راه فرزندانشان در این آسایشگاه ها از میان مارفتند. کاش روزی برسد که هیچ کس به دور از خانه و غریب از دنیا نره.

جواد اشرف کاشانی - مدیریت

برای تمام این هفده سال سابقه همکاری با بنیاد خیریه کامرانی خدا را شکر می کنیم. امیدوارم سال پربرکتی برای آشپزخانه مجتمع قدس باشد و اجاقمان روشن و گرم بماند و دوستی هایمان بعد از سالها پایدار باشد.



سید شکوهی و یارووسی
آشپزخانه



امیدوارم نوروزی که در پیش رو داریم آغاز روزهایی باشد که همه آرزو داریم.

فرح خالقی - مشارکت



به یاد می آید در اولین سالی که همراه مددجویان در اردوگاه عباس آباد شمال بودم و تعداد بیشتر آن ها را سالمندان تشکیل می دلند یکی از آن عزیزان شوق زیادی برای دیدن دریا داشت و به دلیل مشکل حرکتی نمی توانست به تنهایی خودش را به ساحل برساند، در آخر با همکاری دوستان ویلچرش را به لب دریا رساندیم و حسی که از نگاه آن عزیز هنگام مواجهه با دریا به من دست داد، از زیباترین تجربه های زندگی ام به شمار می رود.

سال جدید را با این آرزو می خواهم که چراغ امید هیچ یک از مددجویان عزیزمان در مجتمع قدس خاموش نشود و دلشان شاد باشد.

زینب قربان پور - واحد پزشکی

دو قدم مانده به خندیدن برگ، یک نفس مانده به ذوق گل سرخ؛ چشم در چشم بهاری دیگر تحفه ای یافت نکردم که کنم هدیتان و یک سبد عاطفه دهم ارزانی تان. سال جدید را با لبخند مددجویان آرزو دارم.



سمیه ابراهیمی - اداری

هر زمان که مراجعه می‌کنم و مددجویان مرا می‌بینند؛ بسیار خوشحال می‌شوند و شدیداً ابراز احساسات می‌کنند و این شوق کمک فراوانی کرده است که من هفته‌ای یک روز در حدتوانم در خدمت این عزیزان هستم و کمک حال مددجویان باشم.

ضمن یادآوری خاطره‌ی بنیان‌گذار این مرکز؛ جناب سیف‌الدین کامرانی سال جدید را تبریک می‌گویم و برای مددجویان و کاکنان این مرکز سال خوبی را آرزو می‌کنم. آرزوی من برای سال جدید پیشرفت روزافزون علم پزشکی و در نتیجه آن کم شدن معلولیت در دنیاست.



دکتر منصور صابری - واحد پزشکی

رونق رفت و آمد در مجتمع قدس از جمله مقوله‌هایی است که می‌تواند برای ما در این مجموعه مفیدترین اتفاق باشد بهترین آرزویی که می‌توان برای سال آینده در مجتمع قدس داشته باشم؛ حضور بیشتر مردم در این مجموعه است که رونق ما را به ارمغان خواهد داشت. آرزو می‌کنم لطف مردم در سال جدید بیشتر شامل حال مددجویان قدس باشد شادی بیش از پیش در میان این جمع جریان داشته باشد.



زارع - مددکاری

نوروز هر سال برای ما یادآور این است که عشق همیشه در مراجعه است و بعد از هر زمستان یک بهار دل‌انگیز در پیش‌روی ماست. امیدوارم حال بچه‌های قدس همیشه بهاری باشد و امید به زندگی را فراموش نکنند.



نسترن رضازاده - مددکاری

در سال‌هایی که در مجتمع قدس کار کردم شاهد فرزندانی نشیب‌های بسیاری بودم. روزی را به خاطر دارم که فرزندان یکی از سالمندان ساکن قدس اور را بعد سال‌ها پیدا کردند می‌توانید تصور کنید که در آن لحظه چه حس شغفی داشتیم و چقدر برایمان به یادماندنی شد. هر روز باخودم آرزو می‌کنم که تعداد آسایشگاه‌های نگهداری سالمندان به حداقل برسد. پیشاپیش سال نو را به خانواده بزرگ کامرانی و همکاران عزیزم تبریک می‌گویم.



اکرم عباسی - واحد پزشکی

من بیست و چهار سال از عمرم را در این مرکز کار کردم. به گمانم هیچ چیز تلخ‌تر از چشمان به انتظار مانده این عزیزان برای دیدار با خانواده‌شان نیست. آرزو دارم در سال جدید این امکان برای همه آن‌ها فراهم شود. هرچقدر که ما و مددجویان ارتباط مستقیم و نزدیکی داشته باشیم، بازهم جای خانواده آن‌ها را پر نمی‌کنیم. امروز که در آستانه سال ۹۸ هستیم من باید کم‌کم به فکر بازنشستگی باشم اما بزرگ‌ترین غم؛ جدایی از کسانی است که برای من نزدیک‌ترین افراد هستند؛ که با اشک آن‌ها گریه کردم و با خنده آن‌ها به وجد آمدم.



طاهره حاج یحیی‌لو - مادریار

من مینا آقاجانی؛ به عنوان یکی از خدمت‌گذاران مجتمع قدس برای سال جدید؛ اول سلامتی مددجویان را آرزو می‌کنم و در ادامه امیدوارم خداوند به ما صبر ادامه دادن راه در این مسیر را بدهد که بتوانیم به مددجویان عزیز با آغوش باز کمک کنیم. ای کاش شاهد خانواده‌هایی باشم که بیشتر به عزیزان خود در مجتمع معلولین و سالمندان قدس سر می‌زنند و دیگر هیچ کس را این‌جا چشم انتظار تلفن یا خبری از طرف خانواده‌اش نبینم. ما به امید روزهای بهتر و شادتریم.



مینا آقاجانی - کارگاه

خداوندا در این آخرین روزهای سال دل من و دوستانم را چنان در جویبار زلال رحمت شستشو ده که هرکجا تردید هست ایمان؛ هر کجا زخمی هست مرهم؛ هر کجا نوبی هست امید و هرکجا نفرتی هست عشق جای آن را فراگیرد. سال نو برای همه مبارک باشد.



علی آقایی - انبار

تماشای فیلم با سفر در دل تاریخ



که در لحظه‌ی تماشای آن‌ها هیچگاه به این لحظه و گذر سال‌ها نیاندیشه بودیم، این لحظات را هم به خاطر داشته باشیم تا چند سال آینده... این دیوارها، این پله‌ها و این سالن‌های نمایش مملو از خاطرات دور و نزدیک اند؛ به یقین تماشای فیلم‌های سینمایی در محیط خاطره‌انگیز سینما مرکزی خالی از لطف نخواهد بود. امیدوارم فیلم ۹۸ پر از لحظات شادی آور و خوش برای مردم ایران زمین باشد.

■ مجتبی حسامی
یک سال گذشت و می‌شود آن‌را به صورت یک فیلم سینمایی داخل سالن ذهنمان مرور کنیم. همراه با اتفاقات نیک و بد، تلخ و شیرین. هر فیلمی که تماشا می‌شود، تبدیل به خاطره می‌شود. فیلم سینمایی ۹۷ هم به جرگه خاطره‌ها پیوست. مجلات سینمایی گذشته را ورق می‌زنم، داخل فضای انتظار سینما مرکزی قدم می‌زنم، پوسترهای فیلم‌ها را تماشا می‌کنم؛ و با خود اندیشه می‌کنم

های پیش از انقلاب اسلامی جزو معدود سینماهایی بوده است که دستگاه‌های نمایش فیلم‌های ۷۰ میلیمتری را داشته است. استاندارد فیلم‌های سینمایی هنوز ۳۵ میلیمتری است و این موضوع نشان از پیشرو بودن و مجهز بودن سینما مرکزی دارد.

سینما مرکزی ترکیبی از سینما سانترال و شهر تماشا، از سینماهای تهران است که در سال ۱۳۴۲ توسط سیف‌الدین کامرانی (بنیاد خیریه کامرانی) تأسیس شد. در حال حاضر سینما مرکزی در پنج سالن، میزبان مردم ایران و هنردوستان و اهالی سینماست. جالب است بدانید سینما مرکزی در سال

سینما مرکزی سینمایی پیشرو در ایران



نوستالژی بازی با مرکزی ترین سینمای شهر



عوامل سینما مرکزی برای شما سال خوبی را آرزو مندند.





از زبان همکاران مرکز گامانایف ایران



قادر رضایی، مدیر مجموعه

من آرزو می کنم اهداف بنیاد خیریه کامرانی، سال های سال و نسل اندر نسل توسط خانواده کامرانی دوام و قوام داشته باشد. اعتقاد قلبی من اینست که به خط مشی روان شاد مهندس سیف الدین کامرانی، این مرکز مجدد صاحب یک دستگاه گامانایف از نوع و مدل جدید می شود خاطره ای هم دارم از زمان راه اندازی دستگاه جدید رادیوتراپی. دستگاه یک مشکلی پیدا کرده بود و باعث می شد که ما گاهی نتوانیم به بیماران خدمات درمانی ارائه بدهیم. یک بیماری داشتیم که سه بار به طور اتفاقی زمان نوبت ایشان دستگاه خطا داده بود و همراه ایشان خیلی ناراحت و عصبانی بودن. تا اینکه یک روز که من رو توی آسانسور دیدن با توجه به اینکه می دونستن سمت من چیه، اعتراض شدید و برخورد خیلی بدی با من کردند! من که بهشون حق می دادم ناراحت باشن، با ایشان با خوش رویی برخورد کردم. خلاصه این فرد تا آخرین روز دوره درمان مریضش هر بار منو می دید عذرخواهی می کرد و سرخ می شد ...



دکتر سهراب صادقی، جراح مغز و اعصاب - رئیس مرکز

بزرگ مردی چون کامرانی بزرگ علی رغم اینکه رشته تخصصی اش چیز دیگری بود، از آنجا که لیافت و شایستگی خدمت به خلق رو داشت الهام گونه تصمیم به خرید، نصب و راه اندازی اولین دستگاه حیات بخش بیماران دردمند سرطانی، بدون چشم داشت اقتصادی گرفت و سالهای سال، این میراث را بعنوان غنی ترین دست آورد علمی و پژوهشی درمان بیماران نیازمند به رادیوسرجی، در جهان باقی گذاشت. امید آنکه خانواده محترم آن بزرگوار بعنوان متولیان اصلی و ادامه دهنده ی راه او، و ما پزشکان در خدمت به بیماران بتوانیم و لیاقت داشته باشیم که چراغ فروزنده ای را که بدست توانای آن بزرگمرد روشن گردید، سرپا نگه داریم.



دکتر مسعود مدبر، مسئول فنی تصویربرداری

خاطره ای که دارم از زمان افتتاح سینما مرکزی میدان انقلاب هست که توسط آقای کامرانی بزرگ تاسیس شده، یادمه یک روز از مدرسه رفتم و فیلم افتتاحیه ی سینما رو دیدم و همینطور فیلم لورنس عربستان را در این سینما دیدم... سینمای خیلی مدرن و لوکسی در زمان خودش بود. ۵۵ سال پیش بود تقریباً... من رو برد به ۵۵ سال پیش ...



زیبا مبرآبادی، پذیرش گامانایف

انشالله که هیچ کسی مریض نداشته باشد اگر که دارن امیدوارم مشکل مالی نداشته باشن. اگه هم مشکلات و مسایل مالی دارن، کسی باشه که حامی این آدمها باشه حالا چه موسسات خیریه چه دولت چه دوست ، فامیل آشنا ... این واقعا آروزی قلبی منی هست که ۱۲ ساله اینجا مریضها رو پذیرش میکنم ...



سعیده صادقی، مسئول اموراتاری

امیدوارم در سال ۹۸ دستگاه گامانایف وارد مرکز بشه و بیماران مبتلا به سرطان مغز از بلاتکلیفی رها بشن و مجبور نباشن برای درمان به کشورهای دیگه برن و هزینه های هنگفت بکنن. انشالله خدا همه ی مریض ها رو شفا بده و آرامش توی کشور ما برقرار بشه.



زینب سالاریه، مسئول صندوق

آرزوم برای سال جدید اینه که دستگاه گامانایف بیاد و دوم اینکه بعنوان یک مادر، آرزو می کنم هیچ بچه ای مریض نشه ...



محسن مقیمی، مسئول انبار و تدارکات

برای مریض های رادیوتراپی آرزو می کنم که هزینه های درمانشون بیاد پایین چون خیلی از مریضها قبل از رادیوتراپی، تمام پولشون رو برای جراحی هزینه کردن و واقعا وقتی به ما مراجعه می کنن دیگه هیچ پولی براشون نمونده. با اینکه تعرفه های ما به نسبت مرکزهای دیگه خیلی پایین و با تعرفه خیریه است با اینحال ما همکارها یک صندوقی راه انداختیم و هر ازگاهی کمکی می کنیم برای اون مریضهایی که شرایط مالی بدی دارند. آروزی سلامتی و بهبود همه ی مریضها رو داریم.



مریم شعبانیان، پذیرش ام آر آی

دعا می کنم صلح جهانی و سرور و شادی بر روی کره زمین برقرار شود. الهی سال جدید در مملکت و قلیهامون آرامش و امنیت حکم فرما باشد. آرامش، امنیت، سلامت...





جميله راستگو، کارشناس ارشد رادیولوژی

من آرزوی رونق هر چه بیشتر این مرکز رو دارم چون کار کردن رو واقعا دوست دارم و دلم می خواهد با بروز شدن دستگاه ها و توسعه ی مرکز، تجربه های بیشتری در درمان بیماران کسب کنم.



دکتر پگاه گرجی بیانی، مسئول فنی بخش رادیوتراپی

آرزو می کنم هیچ مریضی ازین در ناامید بیرون نره. توی کار ما سپاسگزاری مریض خیلی خستگی پزشک رو بدر می کنه. خیلی کمک می کنه که با انرژی بیشتری کار کنیم. مریضی برای همه پیش میاد. می شه من بجای اینکه اینجا نشسته باشم، مطب یکی از همکارها اون طرف این میز باشم. به خاطر همین من همیشه سعی میکنم هر کاری که از دستم برمیاد برای کمک به بیمار انجام بدم.



نگین شاه قلی، فیزیسیست رادیوتراپی

من ۶ سال هست که اینجا کار می کنم و خیلی به کارم در این مرکز علاقه دارم. نتیجه دادن در هر کاری باعث میشه که آدم از کارش لذت ببره و با انگیزه ی بیشتری کار کنه. توی کار ما نتیجه دادن یعنی سلامتی مریض. برای من مهمترین دستمزدی که میشه گرفت دیدن نتیجه گرفتن بیماران هست.



دکتر محمدعلی بی طرف، جراح مغز و اعصاب بخش گمانایف

بزرگترین آرزوی من اینه که دستگاه گمانایف وارد بشه. صد ها مریض در لیست عمل گمانایف هستند و امکانات مالی ده هزار دلاری رو برای رادیوسرجری در ترکیه یا بقیه کشورها ندارن. از صمیم قلب آرزو می کنم که در سال ۱۳۹۸ این مرکز بتونه جوابگوی این عزیزان دردمند باشه.



سجاد میرزایی، فیزیسیست رادیوتراپی

من آرزو می کنم سال ۱۳۹۸ کم کار ترین و خلوت ترین سال دوره ی کاری من باشه واقعا برای ما دیدن رنج و درد مریض سخته. آروز می کنم با بالارفتن آگاهی و اصلاح سبک زندگی مردم، تا اونجا که میشه از بروز سرطان پیشگیری بشه. داشتن روابط بهتر با دنیا باعث وارد کردن دستگاه هایی با تکنولوژی بالا و در نهایت ارائه خدمات بهتر درمانی به بیماران میشه. امیدوارم اعصاب و روان مردم آروم باشه که خودش کمک میکنه کمتر بیمار بشن.



منصور نادری
کارشناس مسئول بخش رادیوتراپی

ما دوست داریم که فضای سالن انتظار بیماران رادیوتراپی در سال جدید تغییر کنه. دستگاه رادیوتراپی این مرکز از لحاظ تکنولوژی یکی از بهترین دستگاه های کشور هست. برعکس خیلی از مراکز درمانی که فقط ظاهر شیک و آراسته ای دارن اما از نظر تکنولوژی قابل مقایسه با این مرکز نیستند.



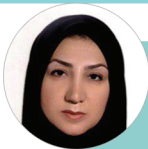
الناز عبدلی، پذیرش رادیوتراپی

بهترین روز برای ما روزی هست که مریض ها بعد از درمان میان و خبر سلامتی کاملشون رو به ما میدن. امیدوارم خدا به ما انرژی و توان بیشتری بده در جهت خدمت رسانی به بیماران.



اعظم عباسی گلابه، حسابدار

آروز می کنم یکی از سین های سفره هفت سین امسال "سورس" گمانایف برای سلامتی بیماران باشه.



سیما بیگلری، پذیرش رادیوتراپی

بهترین اتفاق برای من اینه که سلامتی بیمارای مرکز رو ببینم. برای همه ی مریض ها هم آرزوی سلامتی دارم.



آیسان کریمخانی، پذیرش ام آر آی

مریض هایی هستن که تمام امیدشون اینجاست. امیدوارم سال جدید نا امیدشون نکنیم. همچنین دعا می کنم فرزندان پدر و مادرهای سالخورده و بیمار برای درمان همراهی شون کنن. دیدن این آدم ها که به تنهایی همه کارهاشون رو بسختی انجام میدن خیلی ناراحت کننده است.



آرزوی خانواده کامرانی برای سال جدید

پروین دخت میهن



فصل رستاخیز طبیعت است، لبخند دوباره شقایق و پیچیدن بوی گل‌های تازه روییده در خانه‌ها، آواز زیبای نسیم در میان شکوفه‌ها نوید بهاری است دوباره. این بهار و این نوروز باستانی بر شما مبارک باد.

بی شک لحظه‌ای که خداوند امید را آفرید همان لحظه‌ای است که بهار را نیز آفریده است. بهار آهنگ آفرینش است و زمانی که روح تازه‌ای در همه چیز دمیده می‌شود. هیچگاه برای عشق ورزیدن دیر نیست، پس درنگی نکنیم. عید نوروز و سال نو بر شما مبارک باد.

مریم کامرانی



هیچ زمستانی نیست که پایان نگیرد و هیچ بهاری نیست که باز نگردد، عشق سوار بر نسیم جاریست و بوی خاک باران بهاری خورده عطر طراوت زمین است. نوروز، لحظه‌ای لبخند زمین بر گل مبارک باد.



کتابون کامرانی



فریبرز کامرانی



برایمان میراثی به جا مانده از طرف پدر که بنام "بنیادخیریه کامرانی" بر سر زبان‌ها شناخته می‌شود. خوشحالم بهاری دیگر را در راه خیری که بذرش را او کاشت و امروز ماحصل آن در دستان ما است؛ قدم برمی‌داریم. آرزو میکنم؛ بتوانیم در سال جدید چون گذشته چراغ کارخیز را در این میان روشن نگه داریم.

بهار در بنیاد کامرانی



احمد نعیمی

مدیر روابط عمومی بنیاد خیریه کامرانی
بهار فصل بخشش خیرخواهانه و نیکوکارانه زمین است. بخشیدنی بدون توقع. و حاصل این بخشش: غنچه‌ای است که زیبایی میبخشد؛ و عطر و بویی است که حال خوب میبخشد؛ و مقصد و مقصود این حرکت خیرخواهانه میوه‌ای است که جان می‌بخشد.

و اگر نیک بنگریم در پس تمام این نیکی‌ها شاید لبخندی است که نشانده می‌شود. و ما در بنیاد خیریه کامرانی این لبخند را خریداریم. آنهم نه به بهای اندک. که به بهای گزاف. تا مرز جان. اینجا در بنیادی که رسم خیرخواهی را «سیف الدین کامرانی» گذاشت لبخند را بر لبان بیماری که از مرکز گامانایف سلامت بیرون می‌رود، سالمندی که گوشه امن و آسایش و مهریانی مادریار را در مرکز سالمندان قدس با تمام وجود احساس میکند و خانواده‌ای که لحظاتی فارغ از تمام هیاهوها در سینما مرکزی خاطره‌سازی میکند، می‌نشانند. و چه نعمتی از این بالاتر که لبخند بنشانی و خود به تماشای این لبخند بنشینیم. لبخند تو خلاصه خوبیهاست لختی بخند، لبخند گل زیباست

و این زیبایی با همت مردان و زنانی که خوب می‌دانند که اثر نیکویی در این جهان باقیست سه گانه‌ای خلق میکند از جنس «زیبایی، نیکویی و دانایی» سه گانه‌ای که «عشق» می‌آفریند، «امید» می‌بخشد و «آگاهی» می‌پروارند. ادامه‌دهنده سنگ بنایی که «مهندس سیف الدین کامرانی» گذاشت با همت و حمایت همسرش بانو «پروین دخت میهن» و تلاش و مجاهدت فرزندان که عزم جزم کرده اند نام پدر در تاریخ مانا و ماندگار بماند و همراهی کارکنانی که هم قسم شده اند تا در این دریای پرتلاطم همسفر و هم مسیر باشند، اکنون بنیادی بزرگ و خانواده‌ای تشکیل داده که با افتخار در جهت حفظ آرامش و سلامتی و لبخند هم نوعان تلاش می‌کنند. باشد که این تلاش مقبول و مؤثر افتد.